

زین العابدین قربانی

علل پیشرفت اسلام و انحطاط مسلمین

۴۰

# ت‌حزب و فرقه، کرائی

دومین عامل مهم عقب ماندگی مسلمین، تحزب و فرقه گرائی آنان است. بعد از وفات پیامبر اکرم (ص) چنانکه خود آن حضرت پیش بینی می فرمود: امت اسلام چه از لحاظ سیاسی و چه از لحاظ فکری و عقیدتی گرفتار تفرقه و تشتت گردید و به دسته‌ها و فرقه‌های گوناگون و به قول معروف "هفتاد و سه فرقه"<sup>۱</sup> از قبیل شیعه، سنی، معتزله، اشاعره، مرجئه، شعوبیه، قدریه، مفوضه، اخباری، اصولی، خوارج و... تقسیم شد.<sup>۲</sup>

و هر کدام مدعی گردیدند که تنها مسلک آنها مسلک راستین محمد است، و راه آنها همان صراط مستقیم است که محمد (ص) مردم را بدان دعوت کرده و هر مسلمانی در شبانه روز اقلاد ده بار بطور وظیفه از خدا می‌خواهد که به همان طریق راهنمائیش فرموده به ادامه آن موفقش بدارد و دیگر فرق برباطل است و... گرچه پیروان همه ادیان و ملل گرفتار چنین تحزب و تفرقه می‌باشند ولی ظاهراً مسلمین بیش از همه گرفتار این بلیه شده و از این رهگذر خسارت فراوان دیده‌اند.

در هر صورت این تحزب و فرقه گرائی صرف نظر از اینکه سیمای واقعی اسلام را زیر هاله‌ای از پندارهای نادرست پنهان نگاهداشت تا جائیکه درک حقیقت اسلام برای یک انسان پژوهشگر بسیار مشکل است، نیروهای رهائی بخش مسلمین را که می‌بایست در راه نجات انسانیت از دست صاحبان زور، و زر و تزویر، صرف گردد، در راه اختلافات

و صف‌بندی و تعصب و برادرکشی به‌در داد و نگذاشت که رسالت خود را انجام دهند .

### نمونه‌هایی از آثار شوم این تحزب:

تاریخ اسلام پر است از جنگ و جدالهای طائفه‌ای و فرقه‌ای و چه بلاها و مصائبی که از این رهگذر بر سر اسلام و مسلمین نیامد؟ . و چه خونهای ناحقی که در این راه به زمین ریخته نشد؟ . و چه نیروهای عظیمی که در این راه به‌در نرفت؟ . و چه شکست و نکستی که از این راه عائد اسلام و مسلمین نگردید؟ . و چه؟ . و چه؟ .

تازمانیکه رسول‌خدا زنده بود شخصیت آن حضرت اجازه نمی‌داد کسی در مواجهه با حوادث ، سلیقه شخصی ابراز کند و در برابر نظرات آسمانی و واقع‌نگر اسلام نظرات شخصی خود را اعمال نماید ولی پس از آنکه رسول‌خدا (ص) رحلت فرمود "احقاد بدریه و حنینیه" و خودخواهیها و هواپرستیها ایجاد کرد که شکاف در دیوار دین پدید آید و با بوجود آمدن کشمکش در سر جانشینی پیغمبر در میان مهاجرین و انصار و بنی‌هاشم و تمام شدن قضیه بشکل ماهرانه‌ای بنفع ابوبکر در "سقیفه بنی ساعده" نخستین نطفه اختلاف و تفرق در امت اسلام منعقد شود و دو فرقه بزرگ شیعه و سنی از همین جا صف بندی آغاز کنند . شیعه بخاطر دلائل و نصوصی که در قرآن و سنت در مورد رهبری امت اسلام و خلافت حقه علی بن ابیطالب علیه السلام و جانشینان برحقش آمده بود ، از او و فرزندانش حمایت جدی بعمل می‌آورد و از خلفاء و زمامداران نالائق وقت انتقاد می‌کرد و همین امر باعث گردید که در طول تاریخ مورد هجوم و بی‌مهری برادران اهل سنت قرار گیرد تا جائیکه تنها در زمان خلافت معاویه ، چهل هزار نفر ، و تنها به دست حجاج بن یوسف ثقفی صد و بیست هزار نفر کشته و صد ها هزار نفر دیگر مورد ضرب و شتم و حبس و بی‌مهری قرار گیرند . . . . . ۳

و به دنبال همین اختلاف بود که بعد از قتل عثمان معاویه پیراهن عثمان را علم‌کرد و مردم را برضد امیرالمؤمنین علی علیه‌السلام شورانید و جنگ جمل و صفین را برپا نمود و به دنبال ماجرای " حکمین " حزب خوارج پدید آمد و جنگ نهروان با چهار هزار کشته رخ داد . و سرانجام علی علیه‌السلام نیز به شهادت رسید و میدان

برای تاخت و تاز بیشتر معاویه باز شد .

او با قتل امام حسن علیه السلام و موروثی کردن خلافت ، زمینه را برای شهادت امام حسین علیه السلام و یارانش فراهم کرد و از این راه لطمه جبران ناپذیری به کیان و پیشرفت اسلام زد و گرنه اسلام تمام اروپا را تسخیر می کرد و جهان وضع دیگری داشت چنانکه یکی از دانشمندان بزرگ آلمان در ترکیه با حضور بعضی از شرفاء مکه در دوره عثمانیها به این حقیقت چنین تصریح می کند: " بسیار شایسته است که ما مجسمه طلائی معاویه را در یکی از میدانهای پایتخت آلمان یعنی برلن نصب کنیم زیرا او بود که نظام حکومت دموکراسی اسلامی را به استبداد و دیکتاتوری تبدیل کرد و اگر او نبود اسلام تمام عالم را فرا می گرفت و هم اکنون ما مردم آلمان و دیگر ملل اروپا ، همگی عرب و مسلمان بودیم .<sup>۴</sup>

گرچه در دوران خلافت امویها اسلام تا حدود زیادی پیشرفت جغرافیائی و اقتصادی کرد تا جائیکه اسپانیا در همین دوره فتح گردید و مسلمین تا قسمتی از خاک فرانسه پیشرفتند ولی بی لیاقتی و انحراف حکام اموی از مسیر اصلی اسلام موجب گردید که این پیشرفت در عین آنکه جامع الاطراف و اصولی و ریشه دار نباشد ، در بطن خود قیامها و فرقهها را بهروراند و بادست خود گور خود را بکند! .

قیام توابعین در کوفه و بنی زبیر در مکه و عبدالله بن حنظله در مدینه و زید بن علی و دیگر علویین در مناطق مختلف ، و در پایان ، قیام اهل مسلم خراسانی و قتل عام کردن بنی امیه در شام و حتی بیرون آوردن استخوان مردگان آنها و آتش زدن آنها و سپردن حکومت به بنی عباس از یکسو و پدید آمدن فرقههای معتزله ، جبریه ، قدریه ، مرجئه ، صوفیه ، کیسانیه ، جارودیه ، جهمییه و ... از سوی دیگر نشانه این حقیقت است .

در دوران خلافت عباسیان نیز ، وضع خیلی بهتر از دوران امویها نبود ، گرچه روی کار آمدن بنی عباس در ابتدای امر ، جنبه مردمی و ضد طاغوتی داشت و بمنزله مرهمی بود که روی آلام حاصله از حکومت بنی امیه گذاشته باشند و چنین وانمود می کردند که ؛ می خواهند با حمایت از علویین و شیعیان انتقام آنها را از امویها و دشمنانشان بگیرند ولی وقتی که آنها از آسیاب افتاد و بر خر مراد سوار شدند ، همان راهی را پیش گرفتند که بنی امیه پیش گرفته بودند و در نتیجه همانسان قیامها و فرقهها

را دربطن خود پروراندند و گور خود را با دست خود کردند و نگذاشتند اسلام آنگونه که شایسته است همه جهانگیر شود!!

در این دوره ۵۲۵ ساله یعنی از سال ۱۳۲ که مروان حمار آخرین خلیفه اموی بدست عبدالله سفاح نخستین خلیفه عباسی کشته شد تا سال ۶۵۶ که آخرین خلیفه عباسی مستعصم به فرمان هلاکو نابود گردید، فرقه‌های مختلف کلامی و حقوقی اسلامی که در حدود صد فرقه می‌شدند مشغول جنگ و جدال و تصفیه حساب با یکدیگر بوده همه نیروهای خود را برای نابودی یکدیگر بسیج کرده بودند و بسیاری از قیام‌مآبانی کسه انگیزه مذهبی و اعتقادی داشته و موجب کشت و کشتار، وادیت و آزارهای فراوان گردید از قبیل: قیام فاطمیون مصر، اداره مراکش، آل بویه ایران، اسماعیلیه الموت، قرامطه بحرین، صاحب‌الزنج بصره و... نیز در این دوره بوقوع پیوسته و مانع پیشرفت همه‌جانبه و بیشتر اسلام گردیده‌است.

همانطور که طاغوت گاهی از مذهب سوء استفاده می‌کرده، در این دوره نیز دستگاه خلافت و با سردمداران نهضت روی عللی یک فرقه را مورد حمایت قرار می‌دادند آنگاه پیروان فرقه‌های دیگر را از هرگونه آزادی عمل محروم نموده و آزار و شکنجه و حتی قتل عام را درباره آنان روا می‌داشتند.

مثلاً گاهی از مذهب مالک یا شافعی و یا ابوحنیفه و یا احمد بن حنبل در مسائل حقوقی حمایت می‌کردند، در آن وقت بود که پیروان مذاهب دیگر می‌بایست خود را برای انواع محرومیتها، آزارها، شکنجه‌ها، زندانها، تبعیدها، و حتی قتل عامها آماده کنند چنانکه شافعیها با حنبلیهها "دزری چنین کردند".<sup>۵</sup>

و یا گاهی در مسائل اعتقادی از معتزله یا اشاعره یا باطنیه یا اسماعیلیه و یا... حمایت می‌کردند در آنوقت بود که رقبای آنان می‌بایست خود را برای تحمل همه‌گونه شکنجه‌ها آماده نمایند چنانکه بعد از پیروزی ابوبیها بر فاطمیها در مصر، برای همیشه بساط معتزله برچیده شد و مذهب اشعری جایگزین آن گردید.<sup>۶</sup>

در این دوره بود که قرامطه با حمله به مکه و کاروان حجاج و کوفه و... ده‌ها هزار نفر را کشتند که تنها در یک محله‌ای که یکسال به کاروان حج کردند بیست هزار نفر در حمله‌ای دیگر که به مکه کردند سی هزار نفر را قتل عام نمودند.<sup>۷</sup>

باز در این دوره بود که اسماعیلیه الموت هزاران نفر را ترور و اعدام و زندانی نمودند.<sup>۸</sup>

در این دوره بود که یکی از امراء خراسان در مدتی بسیار کم بیش از صد هزار نفر از باطنیه را کشته و از سرهای آنان مناری ساخت که روی آن اذان گفته می شد! ۹

در این دوره بود که صاحب زنج بیش از پانصد هزار نفر مردم بی گنا را کشت و بسیاری از مردم بر اثر گرسنگی و نداشتن لوازم اولیه زندگی مردند! ۱۰

آری در این دوره بود که بعضی از حکومت‌های اسلامی برای تضعیف رقبای مسلمان خویش به بیگانگان تکیه می کردند، و با آنان روابط دوستانه برقرار نموده چه بسا دست آنها را در امور حساری مملکت باز می گذاشتند، چنانکه هارون الرشید وقتی که از پیشرفت امویها در اسپانیا مطلع شد و از ناحیه آنها احساس خطر نمود و فکر کرد که ممکن است آنها با تصرف فرانسه از راه اروپا و قسطنطنیه به مناطق زیر نفوذ او راه یابند و حکومتش را از دستش بگیرند، از اینرو روابط دوستانه با شارلمانی پادشاه فرانسه برقرار کرد و بایکدیگر هدایا مبادله نمودند و کلید کلیسای بیت المقدس را برایش فرستاد و بدینوسیله به او اطمینان داد که خلافت عباسی دوست اوست و این تنها حکومت اموی اسپانیاست که نظر تجاوز و دست درازی به کشور او را دارد! ۱۱

گرچه یورش سفاکانه مغول و تیمور تا حدودی دکان خلیفه بازی بفسداد و حکومت‌های منطقه‌ای خوارزمشاهیان، سلاجقه، ایوبیان، مالیک اسماعیلیه را برچید و طعم تلخ اختلافات سیاسی و مذهبی و داخلی را با قتل عامها و کشتار میلیونها انسان بی گناه به آنان چشاند ولی دیری نپایید که دوباره جنگ و جدالهای فرقه‌ای با شدت هرچه بیشتر از سر گرفته شد.

شیعه و سنی در پرتو حکومت امپراطوری عثمانی و صفویه آتش اختلاف را تا آنجا دامن زدند که سلطان بایزید عثمانی دستور داد در حدود چهل هزار نفر از شیعیان را در داخل خاکش بوضع فجیعی کشتند که به قول "فون هامر" قتل عام مزبور یکی از دهشتناکترین اعمالی است که به نام مذهب صورت گرفته است حتی نسبت به سمیت‌هایی که هیئت تفتیش مذهبی در اسپانیا و کشتار "سن بارتلمی" ظهور یافته است نبود. ۱۲

و در زمان سلطان سلیم در جنگی که میان او و شاه اسماعیل در "چالدران" و تبریز رخ داد نیز چهل هزار نفر از شیعیان کشته و مناری از کله‌های آنان ساخته شد! ۱۳

و این نوع برادرکشی‌ها و تجاوزات عثمانی ایجاب کرد که صفویه به غلبه دست مودت بسوی کشورهای مسیحی دراز کرده روابط دوستانه با دشمن مشترک شیعه و سنی برقرار نماید در صورتیکه اگر باهم متحد می‌شدند قطعا اروپا را بطورکلی تسخیر می‌کردند. ۱۴ در همین دوره بود که از یکجا جنگهای مذهبی به راه انداخته تنها عبیدخان از یک درهفت جنگی که با ایرانیان کرد هربار طوس و مشهد و هرات را قتل عام مذهبی نمود و همه شیعیان را کشت ۱۵

مقارن همین دوره، جنگ و جدالهای دیگری که انگیزه مذهبی داشته، در جهان اسلام بوقوع پیوست که در میان آنها قیام زیدیه<sup>۱</sup> یمن، مهدیون سودان، بابیه و بهائیه<sup>۲</sup> ایران، قادیانیه<sup>۳</sup> هندوستان قابل ذکر است.

ولی از همه آنها مهمتر و فاجعه انگیزتر فتنه "وهابیه" نجد بوده که بوسیله شخصی به نام محمد بن عبدالوهاب (۱۱۱۵-۱۲۰۶) که از علمای مذهب حنبلی در قرن دوازده بوده با همکاری آل سعود که بعدا حکومت عربستان را بدست گرفتند در آن منطقه پدید آمد.

مذهب وهابی که هم اکنون مذهب رسمی عربستان سعودی است تکامل یافته از طرز تفکر ابن تیمیه (۶۶۱-۷۲۸) در مورد توحید، شفاعت، زهارت قبور، ساختمان روی قبور، نقل جناز و... است

این فرقه با همکاری آل سعود، حملات مکرر به مکه، مدینه، کربلا، و نجف نموده قبور ائمه بقیع و قبرستان معلای مکه را خراب کردند و می خواستند قهر امیرالمومنین و امام حسین علیهما السلام را ویران کنند ولی با مقاومت شدید شیعیان عراق روبرو شده با هتک و غارت حرمین شریفین و کشتن پنج تا بیست هزار نفر، بطرف حجاز مراجعت نمودند که مطالعه تاریخ پرماجرای این فرقه و درد سرهائیکه آنها برای امپراطوری عثمانی و جهان اسلام بوجود آوردند، از رنج آورترین حوادث تاریخ و از نمونه‌های بارز هدر رفتن نیروهای مسلمین و از عوامل عقب ماندگی آنها به شمار می‌رود. ۱۶

از مجموع این مباحث چنین نتیجه گرفته می‌شود که: اگر اینهمه نیروهای مسلمین که در طول تاریخ، در باتلاق تحزب و دسته‌بندی سیاسی و مذهبی و جغرافیائی بهدررفت، صرف پیشرفت فرهنگی و اقتصادی و جغرافیائی و انسانی می‌شد، هم اکنون

دنیا چهره دیگری داشت و اینهمه ذلت و زبونگی دامنگیر مسلمین نمی‌گشت. بنابراین تحزب و فرقه‌گرایی بطور قطع از عوامل بنیادی عقب ماندگی مسلمین بشمار می‌رود.

### نا تمام

- ۱- شیعه و سنی روایاتی با تعبیرات مختلف از رسول خدا نقل کرده‌اند که آنحضرت فرمود: امت موسی علیه السلام بعد از او به هفتاد و یک فرقه و امت عیسی علیه السلام بعد از او به هفتاد و دو فرقه تقسیم شدند که تنها یک فرقه از آنها برحق بودند، و بعد از من امت نیز به هفتاد و سه فرقه تقسیم خواهند شد و تنها یک فرقه از آنها برحقند و بقیه بر باطل (سفینه البحار ج ۲ ص ۳۶۰ - الفرق بین الفرق ص ۵) البته بعضی در ستادین روایت تشکیک کرده‌اند و بعضی دیگر در دلالت آن، در اینکه اگر منظور، اختلاف امت در اصول باشد به هفتاد و سه فرقه نمی‌رسد و اگر در فروع باشد، بیش از اینها خواهد بود و بعضی دیگر با فرض صحت سند کوشیده‌اند، اختلاف اصولی امت را به این مقدار برسانند و یا اینکه توجیه کنند که "منظور از این عدد کنایه از کثرت تفرقه مسلمین است، نه هفتاد و سه حقیقی".
- ۲- درباره معرفی فرق مسلمین و بیان عقاید آنها مراجعه شود به: مقالات الاسلامیین ابو الحسن اشعری، اعتقادات فرق المسلمین و المشرکین فخر رازی، الفصل فی الملل والنحل ابن حزم، الفرق بین الفرق بغدادی، التبصیر فی الدین اسفرائینی، بیان الادیان ابو المعالی، ملل و نحل شهرستانی، عقائد العزیدیة قاضی عضدالدین اجمعی و... .
- ۳- سفینه البحار ماده "حج" و القدر ج ۱۰-۱۱ مراجعه فرمائید.
- ۴- تفسیر المنارج ۱۱ ص ۲۶۰
- ۵- کاخ ابداع ص ۱۹
- ۶- ظهیر الاسلام ج ۴ ص ۹۷
- ۷- دائره المعارف عمید ص ۶۶۴-۶۶۵ - ظهیر الاسلام ج ۴ ص ۱۳۲-۱۳۳
- ۸- دائره المعارف عمید ذیل کلمه حسن صباح و اسماعیلیه، ظهیر الاسلام ج ۴ ص ۱۲۷-۱۳۱
- ۹ و ۱۰- تتمه المنتهی ص ۲۶۳ - ظهیر الاسلام ج ۴ ص ۱۳۴-۱۳۵
- ۱۱- تاریخ سیاسی اسلام ج ۳ ص ۲۱۳
- ۱۲- تاریخ ادبیات ایران از آغاز عهد صفویه تا زمان حاضر تالیف ادوارد پرون ص ۷۴
- ۱۳- همان مدرک ص ۷۷ - ظهیر الاسلام ج ۴ ص ۱۲۱
- ۱۴- مسلمین جهان ص ۱۴۰-۱۴۵
- ۱۵- تاریخ عرب در قرون جدید ص ۶۵- و هابیان ص ۱۳۱-۱۶۲
- ۱۶- به کشف الارتیاب و این است آئین و هابیان مراجعه شود.